

اول پادشاهان باب 10

ملاقات با ملکه سبّا

(دوم تواریخ 1: 9-12)

1 ملکه سبّا از شهرت سلیمان پادشاه باخبر شد و به اورشلیم سفر کرد تا با پرسش‌های دشوار، او را بیازماید. 2 ملکه سبّا با گروه بزرگی از همراهان و همچنین شترهایی با بار ادویه، جواهرات و مقدار زیادی طلا به اورشلیم آمد و هنگامی که به نزد سلیمان آمد، هر آنچه در اندیشه او بود با وی در میان نهاد. 3 سلیمان به همه پرسش‌های وی پاسخ داد. هیچ چیز از پادشاه پوشیده نبود که نتواند پاسخ دهد. 4 ملکه سبّا هنگامی که دانش سلیمان و کاخی را که ساخته بود، 5 خوراکیهای سفره او، محل سکونت مقامات، سازماندهی درباریان کاخ و لباسهایشان، خدمتکارانی که در هنگام جشن او خدمت می‌کردند و قربانی‌هایی را که در معبد بزرگ تقدیم می‌کرد دید، شگفت‌زده شد. 6 او به سلیمان پادشاه گفت: «هرآنچه در سرزمین خود در مورد کارهای شما و دانش شما شنیده بودم، درست بود، 7 اما تا من با چشمهای خود ندیدم، گزارشها را باور نداشتم؛ اما من حتی نیمی از آن را هم نشنیده بودم. دانش و ثروت شما بیش از آن است که به من گفته بودند. 8 خوشا به حال همسران شما! خوشا به حال خدمتگزاران شما که همیشه با شما هستند و خردمندی شما را می‌شنوند! 9 خداوند خدای شما را ستایش می‌کنم که از تو خشنود بود و تو را بر تخت سلطنت اسرائیل نشانید و چون محبت خدا نسبت به قوم اسرائیل ابدی است، تو را بر آنان پادشاه ساخت تا با عدل و انصاف بر آنها سلطنت نمایی.»

10 ملکه سبّا هدایای خود را به سلیمان پادشاه تقدیم کرد، آنها عبارت بودند از: معادل پنج تُن طلا و سنگهای گرانبها و مقدار زیادی ادویه به اندازه‌ای که او هرگز دریافت نکرده بود.

11 (ناوگان حیرام نیز از سرزمین اوفیر طلا و جواهرات و مقدار زیادی چوب صندل آورد) 12 و پادشاه برای ستونهای معبد بزرگ، کاخ شاهی و ساختن چنگ و بریط نوازندگان از همان چوب صندل استفاده کرد و به آن اندازه چوب صندل تا آن روز در آنجا دیده نشده بود.

13 سلیمان پادشاه، هرآنچه ملکه سبّا خواسته بود به او داد، به اضافه هدایای که سلیمان با سخاوتمندی به او بخشید. آنگاه ملکه سبّا و همراهانش به سرزمین خود بازگشتند.

ثروت سلیمان پادشاه

(دوم تواریخ 13: 9-29)

14 سلیمان پادشاه هر سال بیست و سه تن طلا دریافت می‌کرد. 15 به اضافه مالیاتی که توسط بازرگانان پرداخت می‌شد و سود معامله‌ها و خراجی که توسط پادشاهان عرب و فرمانداران بخش‌های اسرائیل پرداخت می‌شد.

16 سلیمان دویست سپر بزرگ که با حدود هفت کیلو طلا روکش شده بود ساخت. 17 او همچنین سیصد سپر کوچکتر که با حدود دو کیلو طلا روکش شده بودند، ساخت و آنها را در تالار جنگل لبنان گذاشت.

18 او تخت با شکوهی از عاج ساخت و آن را با طلای ناب روکش کرد. 19 این تخت شش پله داشت و در پشت تخت مجسمه سر گوساله‌ای قرار داشت و در دو طرف تخت دسته‌ای بود که در کنار آنها دو مجسمه شیر بود. 20 در دو طرف هر یک از شش پله دو مجسمه شیر ایستاده بودند. هرگز چنین تختی در هیچ سرزمینی ساخته نشده بود.

21 همه جامهای نوشیدنی سلیمان از طلا بود و همه ظروف تالار جنگل لبنان از طلای خالص بود و از نقره استفاده نشده بود، زیرا در زمان سلیمان با ارزش محسوب نمی‌شد. 22 سلیمان ناوگانی از کشتیهای اقیانوس پیما داشت که با کشتیهای حیرام حرکت می‌کردند. هر سه سال یکبار ناوگان او بازمی‌گشت و طلا، نقره، عاج، میمون و طاووس می‌آوردند.

23 سلیمان پادشاه، ثروتمندتر و دانشمندتر از همه پادشاهان بود 24 و تمام مردم جهان خواستار آمدن و شنیدن دانش خدادادی او بودند. 25 همه بازید کنندگان هر سال برای او هدایایی مانند ظروف طلا و نقره، پارچه، اسلحه، ادویه، اسب و قاطر می‌آوردند.

26 سلیمان نیرویی شامل هزار و چهارصد ارابه و دوازده هزار اسب داشت. تعدادی از آنها را در اورشلیم و بقیه را در شهرهای دیگر مستقر کرده بود. 27 در زمان پادشاهی سلیمان، نقره در اورشلیم مانند سنگ و چوب سدر مانند چنار دشتهای غربی فراوان بود. 28 مأموران سلیمان اسب را از مصر و قیلیقیه وارد می‌کردند. 29 آنها ارابه‌ها را از مصر به قیمت ششصد تکه نقره و هر اسب را به قیمت صد و پنجاه تکه به پادشاهان سوریه و حتی می‌فروختند.